

ما خواستار اتحادیم نه نفاق، وحدت کلمه ایم نه تفرقه

در صفحه ۲

به سیاست
ضد انقلابی
«تقسیم کن،
حکومت کن»
باید با شعار
انقلابی
«متحد باش
و مبارزه کن»
پاسخ داد

در صفحات بعد:

■ درباره آگوستو
ساندینو مظهر انقلاب
رها نیکبختی
نیکار آگونه
(صفحه ۷ - ستون اول)



ساندینو هنوز هم برای
آزادی خلق میرزند

■ لایحه بودجه
بازتاب سیاست
اقتصادی یک دولت
انقلابی نیست
(صفحه ۸ - ستون پنجم)

■ معضلات کنونی
درمان و بهداشت
کشور و طرح طب
ملی
(صفحه ۸ - ستون اول)

■ حزب توده ایران
رانمی توان نادیده
گرفت
(صفحه ۲ - ستون اول)

■ آنتی کمونیسم
نمونه روشن افلاس
ایدئولوژی
بورژوازی است
(صفحه ۳ - ستون اول)

■ تشنج درسازی
(صفحه ۳ - ستون پنجم)

■ در پس پرده
بحران کابینه ای
امریکا
(صفحه ۷ - ستون اول)

■ بر سواد سنگرش
راه: شعری از
ا. ه. سایه
(صفحه ۵ - ستون پنجم)

■ در راه حسن
همجواری و همکاری
دوستانه بین ایران و
اتحاد شوروی
(صفحه ۴ - ستون چهارم)

درسی که خلق در فاصله
سی ام تیر آموخت:

اتحاد همه نیروها شرط پیروزی بر امپریالیسم است

در صفحه ۵

قانون اساسی جبهه فعال نبرد انقلاب با ضد انقلاب

■ چپ نماها و چپ روها از موضع
ماورای انقلابی و راست گرایان و قشرون
بنام مذهب، هردو به یکسان، دستاورد -
های این انقلاب را در قانون اساسی آن
به خطر انداخته اند. در صفحه ۶

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۲
شنبه ۳ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

راه پیمائی میلیونی علیه امپریالیسم و ضد انقلاب در سراسر ایران

به دعوت
امام
انجام شد:

راه پیمایان شعار میدادند:
خمینی رهبر ماست
امریکا دشمن ماست



رهبری امام خمینی، مبارزه با امپریالیسم خونخوار را
ادامه دهند.

میلیونها ایرانی، عصر سه شنبه گذشته، در خروش خویش
سراسر ایران را به لرزه درآوردند. توده های میلیونی، در
صفوف بی پایان، راه پیمائی کردند و سوگند خوردند که تحت

در صفحه ۶

درباره خود مختاری خلق های ایران

سابقا امپریالیسم
بدست ایلخانات عشار
برای مسخ انقلاب بر
میخواست، اینک مسئله
ملی به افزا چنین سیاسی
بدل شده است. چپ
نماها و چپ روها هم،
آگاهانه و نا آگاهانه،
آب به همین آسیاب
میریزند.
در صفحه ۲

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود

قانون اساسی جبهه فعال نبرد انقلاب بضد انقلاب

کشمکش بر سر صودالی که بر سر قانون اساسی جمهوری اسلامی درگیر است و دم بدم جوش و شدت بیشتری می یابد، انعکاس مستقیم تضادهای و برخورداریهای است که همه سطوح جامعه متقلبها را درمی نوردد. اهمیت بی همتای قانون اساسی، بهمانه قلب و روح نظم و آئین فراگیری که باید سمت حرکت جامعه جدیدی را، که از درون یک انقلاب ملی و دموکراتیک بیرون آمده، تعیین کند، میدان نبرد قانون اساسی را بصورت یکی از بزرگترین و بزرگترین میدانهای مبارزه انقلاب در آورده است. در این عرصه، برخورد آن طبقات و قشرهایی که موقعیت انقلابی، با انواع کارکنانهای ضد انقلاب بهم آمیخته است، در حالیکه پیش نویس موجود قانون اساسی، در خطوط کلی آن، بعنوان سنگ پایه یک قانون اساسی مترقی، تألیف نیروهای پیشرو و واقع گرا را در پشت سر دارد، محافل مختلفی - از «چپ» و راست - با مشمشرهای آخته و چهره پر خشم و کین به مثله کردن، نخطه و تخریب آن پرداخته اند. کنفرانسها، سمینارها، مقالات آتشین و حتی تحریکات، سخنرانیهای پر آب و تاب و اعتراض آمیز به قصد کوبیدن راهگشاهترین و دموکراتیکترین اصول این قانون - و نانی آن بطور درستی - دامنه گسترش یابندهای بخود گرفته است.

اینهمه هیاهو البته طبیعی است. قانون اساسی نیروهای طبقاتی و اجتماعی است. اما آنچه در این میان خطرناک است، منحرف کردن قانون اساسی از مسیر وظایف و از محتوای آن است که انقلاب ملی و دموکراتیک ایران در برابر آن فروداده است.

دستور و هجوم به قانون اساسی و تخریب آن، دو جبهه اصلی دارد:

۱- چپانها و چپروها، از موضع ماورای انقلابی، از قانون اساسی مطالبات و توقعاتی دارند که در شرایط تاریخی جامعه ما امکان تحقق آنها وجود ندارد. این انتظارات افراطی، در بسیاری موارد، اصولاً وظایف و دامنه یک انقلاب ملی و دموکراتیک فراز می رود و پیاده کردن آنها، نه به سود پیشرفت جامعه است و نه ضرورت دارد، بلکه ماجر ارجولی و خیالپردازی بی زمینه و ضایعه افروزی است. از این جهت دولت مستقیم خواست لغو هر نوع مالکیت، تحویل نظر شورایی از بالا به تمامی سازمانها و ادارات و کارخانه ها و دهات و ...

چپروها و چپانها، بدون توجه به واقعیات خارج از ذهن خود و شرایط عینی و مرحله تکامل جامعه، میخواهند خواستها و آرزوهای خود را یک شبه پیاده کنند و از امکانات سبقت بگیرند. این با مطلق کردن جنبه «دموکراتیک»، انقلاب، و نظارتشان از قانون اساسی برآمده از این انقلاب، یکنواختی و بی تفاوتی است. آنها عملاً خصمت «ملی»، یعنی وظایف ضد امپریالیستی و ضد استعماری انقلاب را نادیده میگیرند و با به آن، تاحد نادرده گرفتار میگردند. در حالیکه بدون استعمار زدانی در تمامی سطوح جامعه آفت زده ما، بدون قطع همه ریشه های امپریالیسم از خار و بود حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سخن گفتن از تحقق وظایف دموکراتیک، که بر عهده قانون اساسی است، حرفها درهوائی بیش نیست.

۲- نیروهای راست گرا جبهه دیگری درمنازعه بر سر قانون اساسی نمودند. در این جبهه، قشری فکری و سیاسی و مذهبی، با تعلقات طبقاتی در آمیخته است. آنها پیش نویس موجود قانون اساسی را به زیر چوب تکفیر میگیرند که در این قانون از اصل غربی است» «دموکراتیک همان غرب زدگی است»، «این قانون ضد اسلام است...» و آنگاه برداشتهای خاصی را که با بینش مترقی مذهبی در تضاد آشکار است، در زمینه ولایت فقیه، مقدس شمردن بی چون و چرا و بی حودمزم مالکیت، طرد موازین دموکراتیک و مردمی، جانمایه آن قانون اساسی جمهوری اسلامی، که باید تدوین شود، عرضه میکنند. ناگفته پیداست که در پس این بهانه تراشی ها و پنهان شدن در پس تعبیرهای قشری از احکام مذهب، عناد و ستیز طبقاتی، و اوپن گرای و کوشش برای کشاندن جامعه به سده های گذشته، خفته است.

قانون اساسی، که باید برآورنده خواستها و انتظارات توده های میلیونی زحمتکشان (که امام خمینی آنها را با واژه «پارهنه ها»، اصلی ترین سپاه و در نتیجه اصلی ترین هدف انقلاب خوانده است) باشد، با خیالی شدن از محتوای دموکراتیک خود، عملاً به این سپاه و هدف خویش پشت می کند. جنبه دموکراتیک انقلاب

راهپیمایی میلیونی علیه امپریالیسم و ضد انقلاب در ایران... بقیه از صفحه ۱

بر اساس گزارش های خبرنگاران مردم، «طبقات مختلف مردم به شکل وسیعی در سراسر ایران در راهپیمایی «وحدت» شرکت کردند. کارگران، کشاورزان، پیشه واران روشنفکران و دیگر گروه های اجتماعی با حضور خود در راهپیمایی، عزم راسخ مردم ایران را برای ادامه مبارزه با امپریالیسم و ضد انقلاب نشان دادند. در سراسر ایران، مبارزات توده ای، همانطور که در اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده بود، پیرو دعوت امام خمینی و به پیروی از منشی اصولی و یکپارچه خود در مبارزه با خطر اتحاد همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی، برای دفاع از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، همراه مردم بودند».

خبرنگاران «مردم» در گزارش های خود از چهار گوشه ایران نوشته اند:

«این خورشید توده ای که به دنبال دعوت امام انزرمند برای راهپیمایی «وحدت» برپا شد، بزرگترین راهپیمایی در ایران بعد از پیروزی انقلاب بود».

خبرنگاران ما از تهران گزارش میدهند، راهپیمایی عظیمی در تهران و در اطراف شهر در فاصله چند ساعت از آغاز راهپیمایی، یادآور راهپیمایی های میلیونی روزهای قبل از پیروزی انقلاب بود. آن روزها، میلیون ها نفر برای نشان دادن عزم توده ها، که سرکوبی شاه را میخواهند، به خیابانها می آمدند و روزگوشه ها را گرفته، آن راهپیمایی های با شکوه برای مبارزه با امپریالیسم و ضد انقلاب تکرار شد».

گزارش زیرین توسط خبرنگاران «مردم» از راهپیمایی بزرگ تهران تهیه شده است:

از ساعت ۲ بعد از ظهر سهشنبه، چهره تهران، که یک روز بسیار گرم تابستانی را به نیمه رسانده بود، آرام آرام تغییر کرد. مناظرها یک یک بیست شدند. ساعتی بعد ترافیک فشرده تهران سبک و سبک تر شد. خیابانها خلوت شد. اعداد از هر روز ذودتر تعطیل انظار تهران، به ویژه در محلات جنوبی شهر، حالت یک روز تعطیل را به خود گرفته بود. از هر که می پرسیدی، چه چیزی است؟ جواب میداد: برای شرکت در راهپیمایی علیه امپریالیسم و ضد انقلاب آماده می شویم.

از ساعت پنج بعد از ظهر، خیابانها با صدای شلوغ شد. این بار دسته های وسیع مردم به خیابانها می آمدند. سبیل خروشان مردان، زنان، جوانان و کودکان شهر را میبردند. ساعت بعد، دریایی از انسان، از آن نقطه تهران به حرکت درآمده بود. بیشترین جمعیت از جنوب تهران می آمد، از غار، ازوش، از ناله، از خانه های آباد، از راز آهن، از محلات تهرانی. اینان در صفوف فشرده باخته و خروش، به میدان بهارستان می آمدند. آنجا انبوه جمعیتی که از شرق و غرب تهران می آمدند، به آنها می پیوست، جمعیت از همه جا می آمد. از شهر انسان می جوشید.

یکی از خبرنگاران «مردم» که همراه مردم از میدان خراسان حرکت کرده بود، می نویسد: ساعت ۶ بعد از ظهر در میدان بزرگ خراسان جای سوزن انداختن نبود. دقایقی بعد صف چند هزار نفری مردم به حرکت درآمد. در دست های مردم، عکس های امام دیده میشد. شور و هیجان مردم، بی سابقه بود. هرگز بعد از پیروزی انقلاب چهره ها را چنین معمم ندیده بودم. در گرمای نفس برهنه، در حالیکه باران گل و گلاب از خانه های اطراف آسیر راهپیمایان می ریخت، مردم شعار میدادند:

« تا خون در رگ ماست، خمینی رهبر ماست!
راه امام پیروز است!
آمریکا، ریشه هراسد است!
وحدت، وحدت، وحدت، پیروز است!

و با گام های معمم خیابانها را پیش می کشد. این خروش در همه خیابانهای تهران شنیده میشد. از همه جا سبیل خروشان مردم به سوی ایقانوس سلاطینی میدان بهارستان می آمد. ایقانوسی

درست تکیه بر این سپاه، هموار کردن راه آن برای شرکت در سر نوشت خود، شرکت دادن این توده های وسیع در سر نوشت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مملکت و برخورداری عادلانه از نعمات و امکانات و فرصت های مادی و معنوی جامعه است. قشریون و راست گرایانی که در پس نام مذهب مخفی شده اند، میخواهند راه را برای هجوم به آن اصول و جنبه های مترقی قانون اساسی، که مذهبی و غیر مذهبی، نمی شناسد، و با زباب هدفهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک انقلاب بزرگ مردم ایران است، هموار کنند. این هجوم ضد دموکراتیک به قصد خلع سلاح کردن انقلاب است.

صرف نظر از نیروهای سالم و مترقی و غیر مذهبی - در بین دو قطب افراطی چپ و راست - که علیرغم مواضع کاملاً متمایز آنها، در نهایت آب به یک آسیاب میریزند - نیروها و عناصر دیگری هم فائند. امپریالیسم و یادی استبداد برای تضعیف انقلاب و از پای در آوردن آن، بر آنند که هر چه بیشتر سیمای این انقلاب را در قانون اساسی آن کدر، اطلیح و عقب مانده جلوه دهند.

بورژوازی لیبرال هم اولاً از جنبه دموکراتیک انقلاب برداشتی بورژوا مآبانه بدست میدهد و ثانیاً با عمده کردن این لیبرالیسم بورژوازی هم روی جنبه ضد امپریالیستی انقلاب وهم روی دموکراتیک آن، که باید بازتاب دموکراتیک ترین طبقات و اقشار اجتماعی باشد، پرده ساتر میکند.

در پیجوجه این کارزار همه جانبه، که پیروزی یا شکست انقلاب تا حد بسیار زیادی در گرو نتیجه آنست. هشاری و آساهی و اتحاد نیروها و عناصر مترقی برای افشاء و طرد توطئه های رنکارنگ و اغراضی که زیر الفاظ و سیماهای آرا تیره و زشت میکنند، مهم ترین وظیفه ای است که باید با جدیت و بی گیری دنبال شود. سیج وسیع ترین توده ها بر شالوده این افشگری و توضیح و تشریح ماهیت این کارزار، میتواند انتخابات مجلس خبرگان را، که وظیفه تدوین و تصویب قانون اساسی برعهده، آنست بصورت شکست سنگین و پراوری برای ضد انقلاب و نیروهای افراطی چپ و راست و گریزان از تحولات واقعی انقلابی در آورد.

سقوط یک رژیم دیکتاتوری دیگر وابسته به امپریالیسم آمریکا

دیکتاتور ((نیکاراگوئه)) گریخت!



زیر این عکس تاریخی دستخط ساندینو و در مرکز آن خود وی دیده میشود.

به طومار زندگی نیکون و جتایت بار یک رژیم دیکتاتوری دیگر، رژیمیکه باهدایت و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا بر مردم نیکاراگوئه تحمیل شده بود، رژیمیکه مانند رژیم متفروشه مخلوع نقش زاندار امپریالیسم آمریکا را در کشور خود ایفا میکرد، پایان داده شد. ساموزا، دیکتاتور نیکاراگوئه، پس از ماه ها جنگ و خونریزی در کشور، در زیر ضربات قیام خلقی، برهنی چهره ملی رهایی بخش ساندینستا، ناگزیر شد از کشور فرار کند. این دیکتاتور ساخت آمریکا، همراه چهل نفر دیگر از سرپرندگان امپریالیسم آمریکا، دامان ارباب پناه برد.

جبهه ملی آزادی بخش ساندینستا، پس از آنکه حملات نهائی خود را برای سرنگونی رژیم ساموزا آغاز نمود، دولت موقت بازاری ملی را تشکیل داد.

تشکیل جبهه ملی آزادی بخش در جریان مبارزات انقلابی، که همه سازمانها و نیروهای ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی را در خود متحد ساخت، پیروزی انقلاب را تسریع و تضمین نمود و اینک که این پیروزی بدست آمده، برای پیشبرد و تثبیت روند انقلابی و مرحله سازندگی، دولت موقت بازاری ملی، از نمایندگان همه سازمانها و نیروهای شرکت کننده در انقلاب تشکیل شد. این دولت ملی، که بیانگر همه نیروهای شرکت کننده در انقلاب، در مرحله بازاری و ریشه کن کردن نهادهای رژیم دیکتاتوری و راستگی به امپریالیسم آمریکا، عامل تعیین کننده است. چنین دولتی میتواند در مرحله فعال و مستقیم همه نیروهای راستین انقلابی و ضد امپریالیستی را در مرحله دوم انقلاب، یعنی مرحله سازندگی تأمین کند.

مطلب مهم دیگر آنست که وجود نمایندگان همه سازمانها و نیروهای شرکت کننده در انقلاب در دولت موقت بازاری ملی، وحدت همه نیروهای انقلابی را در برابر جبهه واحد ضد انقلاب و امپریالیسم آمریکا، که با توطئه و تحریک و اقدامات خرابکارانه،

در پس پرده بحران کابینه ای آمریکا

یونانی پدیرس گزارش داد که شخصیت های معروفی چون سائروس روتن، وزیر امور خارجه، جیمز شلینجر وزیر انرژی، هادولدر براون، وزیر دفاع، برزینسکی مشاور کثرت در امور امنیت ملی، جودی پاول منشی مطبوعاتی کاخ سفید و آندرویانگ سفیر آمریکا در سازمان ملل، از جمله اعضای کابینه و مقامات اداری کابرت هستند که بطور جمعی استعفاي خود را تسلیم رئیس جمهوری کردند. ظاهر قضیه، بگفته جودی پاول، اینست که این استعفا بدین منظور صورت گرفته است که «کارتر بتواند بحریکی به حکومت خود بخشد و وسند استعفاي ۱۲ عضو کابینه را بر کمر سر مایه داری محض آمریکا ممالک از انا حضار بجا نشی وهدا

تنداهایی که سر مایه داری فرات آمریکا از درون و بیرون بدان مبتلاست، بتبع آن بحران انرژی، بحران تکنولوژی، افزایش یکاری، سقوط دلار، جراحات انقیام ناپذیری که پس از شکست منفذحانه در ویتنام بر یک امپریالیسم جهان خوار آمریکا وارد آمد،

اینها همه ریشه های واقعی بحران است که سرابای جامعه آمریکا، از جمله کاخ سفید را که متنوع از آن نیست، زیر ضربات خود گرفته است.

استعفاي جمعی اعضای کابینه آمریکا، بگفته مطبوعات و رسا نه های گروهی اتحاد شوروی، یک بحران جدی حکومتی است، که در تاریخ ریاست جمهوری در آمریکا، بدینگونه که یک رئیس جمهوری استعفاي جمیع اعضای کابینه خود را بیش از استعفاي مدت زمامداریش دریافت کند سابقه ندارد.

خبرگزاری ناس یا استناد به قول ناظران اسلام کرده که وضع کنونی آمریکا با زباب شکست بزرگ دولت در اعمال سیاستهای داخلی و خارجی و نمانایکنر نشانده محافل حاکم در زمینه سیاستهای داخلی و خارجی این کشور است.

■ سوموزای دیکتاتور رفت، دستخوان لای زخم» آمریکایی نیز نخواهد ماند.

سرنجام دیکتاتور خون آشام و دزد نیکاراگوئه نیز که

سقوط یک رژیم دیکتاتوری دیگر وابسته به امپریالیسم آمریکا

دیکتاتور ((نیکاراگوئه)) گریخت!



فریب به بنجاه سال از نبرد

و خون آشام ترین رژیم های آمریکای مرکزی اوج گرفت. آزاد بخوار میماند، دست چپه متحد خویش را با فتخار همین قهرمان شهید، ساندینست، تمام نهادند. زیرا وفاداری به راه و آرمان ساندینو، بهترین محک استقلال طلبی و آزادیخواهی بود. این نیروها در صف متحد خود، با پیگیری بسیار و طی نبردی شجاعانه و طولانی، مردان و زنان مبارز کشورش سیرده است تا برجم انقلاب رهایی بخش سر زمین خود را همچنان در اختیار نگذاردند و اساس حکومت خائن و آدمکش را که امپریالیسم آمریکا در سال ۱۹۴۴ بزور سر نین به مردم نیکاراگوئه تحمیل کرد، از ریشه برکنند.

مرد نیکاراگوئه «آگوستو ساندینو» را در ژنرال آزاد مردان، می نامیدند و نیم قرن است که قهرمانی و بابا مردی او الهام بخش مبارزات دلیرانه و زنان و مردان نیکاراگوئی بوده و هست. دشمنان خلق و دست نشاندهگان امپریالیسم آمریکا میکوشیدند او را با لفظ استقامت بیوا انعامتگی، تحقیر کنند و بدینوسیله خشم مردم را از انجوبیت عظیم این مردم، که از زمان زحمتکشان برخاست و برهن ترین استقلال طلبانه آنان بدل شد، ابراز میداشتند. دهها سال باران همت و افرا را بر روی بارند، و لسی ۱۸ سال پیش، هنگامیکه دوازده نبرد شد - امپریالیستی علیه یکی از فاسدترین

فریب به بنجاه سال از نبرد های همگین خوشتانهای اسکودیا میگذرد. یک کارگر سابق صنایع نفت که اندامی نحیف داشت و آن روزها فرماندهی نبرد خلقی نیکاراگوئه علیه امپریالیستهای آمریکایی را بر عهده گرفته بود، امروز نیز توانست است به منظور مبارزه مردم کشورش علیه سلطه امپریالیسم آمریکا در این نبردها، در صف متحد خود، با پیگیری بسیار و طی نبردی شجاعانه و طولانی، مردان و زنان مبارز کشورش سیرده است تا برجم انقلاب رهایی بخش سر زمین خود را همچنان در اختیار نگذاردند و اساس حکومت خائن و آدمکش را که امپریالیسم آمریکا در سال ۱۹۴۴ بزور سر نین به مردم نیکاراگوئه تحمیل کرد، از ریشه برکنند.

مرد نیکاراگوئه «آگوستو ساندینو» را در ژنرال آزاد مردان، می نامیدند و نیم قرن است که قهرمانی و بابا مردی او الهام بخش مبارزات دلیرانه و زنان و مردان نیکاراگوئی بوده و هست. دشمنان خلق و دست نشاندهگان امپریالیسم آمریکا میکوشیدند او را با لفظ استقامت بیوا انعامتگی، تحقیر کنند و بدینوسیله خشم مردم را از انجوبیت عظیم این مردم، که از زمان زحمتکشان برخاست و برهن ترین استقلال طلبانه آنان بدل شد، ابراز میداشتند. دهها سال باران همت و افرا را بر روی بارند، و لسی ۱۸ سال پیش، هنگامیکه دوازده نبرد شد - امپریالیستی علیه یکی از فاسدترین

امپریالیسم آمریکا به مردم این کشور تحمیل کرده بود. چنانکه پیش بینی می شد، سقوط کرد و نوزد ارباب گریخت. لکن طبق معمول آمریکا می کوشد که با بنام فرانسیسکو اوردوکیو بعنوان استخوان لای زخم، در نیکاراگوئه نگاهدارد. به کاردر باصطلاح ملی معلوم الحال نیکاراگوئه، که مردم ریگ نظام منفرود سوموزای است، دستور داده شد که به جنگ با مسرد و ساندینستا، که سوی بیابنخت پیشروی می کنند، ادامه دهد. اوردوکیو که پس از فرار سوموزا کفالت ریاست جمهوری را بر عهده گرفت، از چریکها خواست که ترک سلاح و جنگ گویند. وی اینک این سو دای خام را در سر می پروراند که تا سال ۱۹۸۱، کسه موعد انقضا ی ریاست جمهوری سوموزا بر نیکاراگوئه جگراند. اوردوکیو که تبسم توطئه ای نفاذ آمریکا در نیکاراگوئه است، با اعلام این مطلب که قصد نفوذ حکومت را به دولت موقت مترقی این کشور ندارد، خشم مردم نیکاراگوئه را برانگیخته است.

سختگوی دولت موقت بازاری ملی نیکاراگوئه در سان خوزه اعلام داشت که این پس فرانسیسکو اوردوکیو مسئول دوام کشتار و خونریزی در این کشور خواهد بود.

در این میان نیروهای ساندینست در تمام جبهه ها پیشروی کردند و در جنوب کشور تا ۲۶ کیلومتری ما ناگوستا، بیابنخت نیکاراگوئه را رسیدند و همچنان به پیشروی خود ادامه می دهند. پیروزی مردم نیکاراگوئه و سقوط سوموزا و آتشهای وسیع رضایت آمیزی در سراسر جهان داشت. اتحاد شوروی و عده ای از کشورهای آمریکایی لاین از این واقعه مهم اعلام بینی این آخرین سیدی کردند. اریستیدس روی رئیس جمهوری پاناما اعلام کرد، پیروزی مردم نیکاراگوئه بر دیکتاتوری سوموزا سر مشقه است. برای ملت های که در امریکای لاین با ارتجاع می سوزند

معضلات کنونی درمان و بهداشت کشور و طرح طب ملی

روژ یکشنبه ۲۴ تیرماه، آقای دکتر سامی وزیر بهداشتی و بهزیستی، متن کامل طرح طب ملی را که در آن وزارتخانه تهیه شده است، در اختیار مطبوعات قرار داد. نکات اساسی این طرح با نظریات حزب توده ایران درباره طب ملی مطابقت دارد و بطور کلی مورد تأیید حزب توده ایران است.

مادرشماره گذشته روزنامه مردم، اصول نظریات خود را درباره ضرورت طب ملی و راههای اجرای آن بیان کردیم و در آینده به توضیح جزئیات برنامه طب ملی خواهیم پرداخت. در این شماره به بررسی انتقادی از طرح پیشنهادی وزارت بهداشتی و بهزیستی میپردازیم. در بندیک برنامه پیشنهادی وزارت بهداشتی و تحت عنوان توجیه طرح - ضمن آنکه عمده ترین نارسائیهای خدمات بهداشتی و درمانی بدرستی بر شمرده شده اند - به عمده ترین معضلات سیستم بهداشتی و درمانی کشور، یعنی وابسته بودن این سیستم به کشورهای امپریالیستی و در رأس همه امپریالیسم امریکا اشاره ای شده است. چون در طرح پیشنهادی باین مسئله عمده توجیه میدول نگردیده است، طبیعتاً در خود طرح هم کوچکترین اشاره ای به ضرورت مبارزه و اقدام برای رفع این وابستگی اسارت آور چشم نمی خورد.

امپریالیسم نه تنها اقتصاد، صنعت، زراعت، سیاست، دانش و فرهنگ ما را زیر سلطه خود در آورده بود، بلکه با نفوذ در طب و بهداشت و بیمه های وابسته به سرمایه های غارتگر امپریالیستی و بدست گرفتن تولید و پخش دارو، سیستم درمانی بهداشتی، بیمه ها و تأمین داری کشور را هم به تبابی دوبرانی کشیده بود. نتایج و آثار شوم این وابستگی هنوز ادامه دارد. برای ساختن یک سیستم طب ملی مستقل و مترقی، راهی جز رفع هر چه سریعتر این وابستگی وجود ندارد. عمده ترین مشخصات این وابستگی کدامند؟

۱- سیستم طب، بطور کلی از روی سیستمهای طبی عمده ترین کشورهای امپریالیستی و بخصوص امپریالیسم امریکا تهیه شده است و به هیچ وجه متناسب با خصوصیات و نیازهای ویژه جامعه ما نیست.

۲- سیستم آموزش طب ورشته های وابسته به آن، مطابق سیستم آموزش کشورهای امپریالیستی بر نامرئیزی شده است و بهیچ وجه جوابگوی مبرم ترین نیازهای بهداشتی و طبی جامعه ما نیست.

۳- تربیت کادرهای متخصص پزشکی و سایر رشته های وابسته به آن، بطور عمده در کشورهای امپریالیستی و بخصوص امریکا انجام میگردد، که خود نارسائیها و معضلات فراوانی را باعث میشود، که عبارتند از:

الف- تربیت کادرهای متخصص طبق نیازها و ویژگیهای کشورهای امپریالیستی صورت میپذیرد، نه احتیاجات مبرم وطن ما.

ب- برای تربیت این کادرها، در کشورهای امپریالیستی مبالغ گزافی از بودجه ملی مصرف میشود.

پ- خطر بیکانه شدن عده ای از فرزندان این آب و خاک، نسبت بملیت و فرهنگ و سن خود و عادت کردن با استانداردهای جامعه مصرفی و بیندو بار کشورهای غربی، عدم بازگشت

عده زیادی از این کادرها - وطن و در صورت بازگشت، ایجاد گرفتاریها و در سرهای فراوان برای آنها و جامعه، از بی آمدهای سیاست ضد ملی تربیت کادرهای متخصص در کشورهای امپریالیستی است.

ت- ادبیات پزشکی ما، تحت تأثیر و فشار ادبیات پزشکی کشورهای غربی، از رشد خود بازمانده و به تباهی کشیده شده است. بطوریکه هم اکنون ادبیات پزشکی ما، یعنی واقعی کلمه، آتشله قلمکاری است از ادبیات پزشکی امریکائی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی. حتی در بسیاری از مراکز پزشکی ما، پرونده پزشکی بیماران بزبانهای مختلف خارجی نوشته میشود، که معضلی عدم فهمیدن و درک متقابل پزشکان، کوچکترین عیب آن است.

۴- ورود دارو و تولید دارو در داخل کشور - توسط کارخانه های مونتاژ دارو - کاملاً وابسته به کشورهای امپریالیستی است. انحصارهای سرمایه داری تولید دارو، بساط غارتگری خود را بصورت ایجاد کارگاههای مونتاژ مواد دارویی، غذائی و آرایشی گسترده اند، بطوریکه تولید دارو در داخل کشور، بطور عمده در انحصار آنها و به متوایات غارتگرانه شان وابسته است.

این امر باعث شده است که اولاً تولید دارو طبق نیازهای درمانی جامعه ما انجام نشود، ثانیاً صنعت داروسازی مستقل ملی هیچگونه امکان رشد و تکامل نیابد، ثالثاً رقابت وحشیانه بین انحصارهای مختلف امپریالیستی، هم بازار دارو را آشفته و بی سرمایه مان گرداند و هم دستگاه اداری ما را به فساد، رشوه خواری و ارتشاء بکشاند.

ما معتقدیم که وابستگی در دست کشور به امپریالیسم، عمده ترین علت همه نارسائیها، بدبختیها و فساد و تباهی جامعه ما و از جمله همه خرابیها، کمبودها و معضلات بهداشتی و درمانی است که، در طرح پیشنهادی وزارت بهداشتی و بهزیستی با آنها اشاره شده است.

مبارزه با امپریالیسم تفکیک ناپذیر است و باید در همه ابعاد و شئون جامعه ما، از جمله در زمینه طب و بهداشت، بطور بی امان، انجام شود، طب ما نه تنها باید ملی شود، بلکه برای ملی شدن، باید خود را ضرورتاً از چنگال نفوذ نفوذ امپریالیسم رهائی بخشد و مستقل و غیر وابسته شود.

برای رفع هر گونه سوء تفاهم، یادآور میشویم که منظور ما از طب ملی مستقل و غیر وابسته، تنها به معنی رفیع وابستگیها و پیاره کردن زنجیرهای اسارتی است که در بساالات آنها نام بردیم، ولی ایجاد رابطه هر چه وسیعتر با همه کشورهای جهان، بر پایه تساوی حقوق و نفع متقابل، برای تبادل اطلاعات علمی و استفاده از دستاوردهای بهداشتی و درمانی سایر کشورها نه تنها مفید، بلکه کاملاً ضروری است.

حمله به کتابفروشی در همدان

گروهی نزدیک به ۲۰۰ نفر، روز هفدهم خرداد، در حالیکه شمار میدادند، «مرگ» بر کمونیست، در خیابان بوعلی و میدان خمینی همدان براف افکندند. این گروه در خیابان بوعلی به یک کتابفروشی حمله کردند و بعد از پاره کردن پوسترها و روزنامهها و کتابفرواز کردند.

موفقیت کارگران شرکت زمینس

طی مذاکرات قبلی شورای کارگران با نمایندگان کارفرما و وزارت کار و امور اجتماعی، قرار بر این شد که دستمزد کارمندان شغلی عقب مانده کارگران، ازالا گذشته بر مبنای جدول تعیین شده پرداخت شود و اضافه دستمزد پیشنهادی از طرف نماینده شورای کارگران، که ۱۰٪ است، منظور گردد. این امر مورد موافقت کارفرما قرار گرفت.

کاربران جهان سرمایه داری بالامیکرد

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در گزارش پیش بینی کرد که کندی فعالیت اقتصادی و بروز بحران انرژی در سیمای افزایش بازهم بیشتر و شدیدتر بیگاری در کشورهای صنعتی غرب ظاهر خواهد شد. در گزارش تصریح شده است که احتمال می رود که شمار افسران فساد شغل در ۲۴ کشور عضو این سازمان، در ژوئیه سال ۱۹۸۰، به ۱۹۹ میلیون نفر، در برابر ۱۷۲/۲ میلیون نفر در آغاز سال ۱۹۷۹، افزایش یابد.

رئیس خدمات اقتصادی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی هنگام تسلیم این گزارش به مطبوعات آشکارا اعلام کرد، «ما راه دراز رشد کم را در پیش روداریم»

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

لایحه بودجه بازتاب سیاست اقتصادی يك دولت انقلابی نیست

حتی تنظیم کنندگان لایحه بودجه هم به نارسا بودن آن اعتراف دارند

بودجه سال ۱۳۵۸ دولت، که برای تصویب به شورای انقلاب تسلیم گردیده، انتشار یافت. در همان دید نخست به بخش درآمدهای عمومی، حقوق تلخ وابستگی عمیق اقتصاد ملی به درآمد نفت چشم می خورد. اینکه بیش از ۷۳ درصد درآمدهای عمومی دولت بطور عمده از محل فروش نفت خام عاید میشود، نشانگر خصلت تک محصولی اقتصاد کشور است، که محصول سیاست ضد ملی رژیم مغفوریست. چنین ساختار ناموزون اقتصادی بازتاب مقام ایران در تقسیم کار بین المللی سرمایه داری نوز هفت، که امکان استفاده معقول از عوامل بالقوه داخلی رشد، یعنی استفاده از شرایط طبیعی و جغرافیائی، منابع زیرزمینی و نیروی انسانی را به حداقل ممکن محدود ساخت. بدون تردید تا زمانیکه ایران این زنجیر بردگی را نکند، نخواهد توانست اثرات شوم آنرا خنثی سازد.

بهین سبب نیروهای هوادار تأمین استقلال اقتصادی انتظار داشتند که تنظیم کنندگان نخستین لایحه بودجه جمهوری اسلامی چنان بودجه ای عرضه دارند که ازم امکان پایبندی یک اقتصاد شکوفان و مستقل را بنیان گذارد. با نکتان سانسف مشاهده میشود که حتی سازمان برنامه بودجه خود، در مقدمه طویلی، به نارسا بودن لایحه بودجه اعتراف میکند. در این مقدمه چنین میخوانیم: «گفته اند، بودجه آئینه تمام نمای هدفها، وظایف و عملیات دولتها است. بگذاریم قبل از هر چیز اعتراف کنیم که بودجه تقدیمی چنین خاصیت و نقش را ندارد...»

به بیان دیگر، خود تنظیم کنندگان بودجه معترفند که نتوانسته اند بودجه ای با کاربرد همه جانبه در زمینه های اقتصادی ارائه کنند. در واقع نیز تا زمانیکه دولت، چنانکه در مقدمه بودجه آمده، شناخت جامعی از ساخت و ترکیب اقتصاد ملی ندارد، نمیتواند از بودجه انتظار داشت که راه چاره بیماری مزمن اقتصاد ملی را عرضه دارد.

گرچه تنظیم کنندگان بودجه کوشیده اند که بدان خصلت خلقی دهند و در این راه تا اندازه ای هم موفق شده اند، ولی بعلت عدم استراتژی دقیق و حساب شده رشد اقتصادی، نتوانسته اند آنرا در مسیر حل معضلات عمده اقتصادی و اجتماعی قرار دهند.

مطالعه مقدمه بودجه گویای آنستکه دولت مسوق جمهوری اسلامی اهمیت لازم به نقش بخش دولتی در رشد اقتصادی نمیدهد و هنوز تحت تأثیر شمار کاذب رایج دوران رژیم سابق، دایر به اینکه گویا دولت تاجر خوبی نیست، قرار دارد.

بهیچ وجه تصادفی نیست که در مقدمه لایحه بودجه گفته میشود: «بنظر ما هر اندازه که دولت بدون دلیل بر ابعاد نامرئیزی و اجرائی خود بیفزاید، کوهی از مشکلات بردوش ملت و خود خواهد گذارد و اگر چنین شود، در آینده خیلی نزدیک بودجه دولت فقط عبارت از حقوق کارمندانش خواهند شد...» اینگونه برخورد به نقش بخش دولتی در اقتصاد ملی نادرست است. زیرا منظور از گسترش چارچوب عملکرد بخش دولتی بهیچ وجه به معنی ایجاد انواع ادارات و وزارتخانه ها و افزایش کارکنان غیر تولیدی نیست. هدف، شرکت فعال دولت در صنعتی شدن کشور، رشد تولید زراعی و ایجاد زیر بنای فنی و علمی است. طبیعتاً است که با تعمیق نقش دولت در تولید، تعداد کارگران و کارکنان شاغل نیز افزایش خواهد یافت، ولی این به معنی آن نیست که بودجه دولت فقط عبارت از حقوق کارمندان خواهد بود. بنظر ما شرایط مشخص کنونی رشد اجتماعی و اقتصاد کشور، ایجاد بخش دولتی نیرومند، دموکراتیک و در خدمت توده های زحمتکش، تنها راه برون رفت از بحران عمیق به ارت رسیدن از رژیم مغفوریست.

برخلاف تنظیم کنندگان بودجه، بنظر ما دولت نه تنها میتواند، بلکه باید بر ابعاد نامرئیزی و اجرائی خود بیفزاید. شکست برنامهای عمرانی در گذشته به معنی رد سیستم برنامه ریزی در اقتصاد نبوده و نیست. فقدان سیستم برنامه ریزی دقیق علمی و حساب شده منطبق با امکانات داخلی در گذشته، یکی از عوامل زاینده بحران است که امروز کشور ما با آن روبرو است.

ولی علت اصلی بحران و مشکلات اقتصادی کنونی را نباید در مجموعه سیاست اقتصادی و سیاست نظامی رژیم گذشته جستجو کرد و راه حل آنرا نیز در تغییر بنیادی در این سیاست ضد ملی و هلاکتبار یافت. بودجه ای که نتواند در این جهت اساسی عمل کند، بناچار درد واقعی را هم درمان نخواهد کرد.

ما بازم در این باره سخن خواهیم گفت. کرد، دانشجویان به او فرصت دادند که پولهای پرداختی را، که با آن میشود حداقل ۲۰ خانه مناسب برای مستضعفین ساخت، پس بگیرد و به او اختیار کردند که بهیچ وجه حق ندارد به اجرائی ها حق بازتصفی بدهد و یا آنها را مجدداً استخدام کند.

ساواکی ها را به کار برنگردانید

دانشجویان دانشگاه شهران، به سرپرست جدید این دانشگاه، که طی نامه ای از رؤسا، معاونین و اساتید می که بعلت همکاری با رژیم سابق توسط شورای تز که دانشگاه اخراج شده بودند، خواسته بود از دانشگاه درخواست حقوق بازتصفی کنند یا به سرکار برگردند، اعتراض کردند.

دانشجویان دانشگاه شهران می گویند: «شورای تز که این دانشگاه ۳۶ نفر از رؤسا، معاونین، اساتید، کارمندان و دانشجویانی را، که با ساواک همکاری می کردند، فراموش بودند و با اموال دانشگاه سواستفاده مالی کرده بودند، با اعلام موارد مشخص جرم، از دانشگاه اخراج کرد. مدتی بعد، نامه محرمانه ای بدست دانشجویان

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق